



بررسی ویژگی‌های اجتماعی و اقتصادی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست

محمد شیری

مهرنوش میرمحمد

محمد سلطانی



پژشکده‌ی آمار

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

تابستان ۱۳۹۴

پیش‌گفتار

مهاجرت یکی از مؤلفه‌های پویایی جمعیت است که به سبب برخورداری از قدرت تأثیرگذاری در رشد جمعیت، مطالعه تغییرات و عوامل اجتماعی و اقتصادی موثر بر آن از اهمیت شایان توجهی برخوردار است. این امر سبب شده است که سیاست‌گذاران و برنامه‌ریزان اجتماعی و اقتصادی در کنار تغییرات باروری و مرگ و میر توجه ویژه‌ای بر تحرکات مکانی جمعیت داشته باشند. مهاجرت داخلی و بین‌استانی اگرچه به طور مستقیم در تغییرات کل جمعیت کشور مؤثر نیستند ولیکن به سبب پیامدهای اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی که برای جامعه مبداء و مقصد به دنبال دارد می‌تواند در تغییرات ساختار اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و جمعیتی نقش مهم و تعیین‌کننده‌ای را ایفاء نماید. بنابراین، شناسایی استان‌های مهاجرفرست و مهاجرپذیر و ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی آنان با هدف فراهم‌سازی زمینه‌های شناختی برای اعمال اقدامات مداخله‌ای توزیع متوازن جمعیت و پیشگیری از مهاجرت‌های منطقه‌ای ضروری به نظر می‌رسد. این پژوهش به منظور نیل به این هدف با استفاده از روش تحلیل ثانویه، ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی استان‌های کشور را به تفکیک وضعیت مهاجرپذیری و مهاجرفرستی مورد مطالعه قرار داده است. اطلاعات اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی و همچنین ویژگی‌های مهاجرتی استان‌ها با تکیه بر نتایج سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و اطلاعات حساب‌های منطقه‌ای مرکز آمار ایران گردآوری شده‌اند.

این مطالعه در گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار با همکاری آقای محمد شیرینی به عنوان مجری طرح، خانم مهرنوش میرمحمد و آقای محمد سلطانی به عنوان همکاران اصلی طرح پژوهشی به انجام رسیده است که بدین وسیله از زحمات ایشان، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. پژوهشکده آمار در انجام این مطالعه از حمایت‌های مالی و فنی صندوق جمعیت سازمان ملل متحد (UNFPA) و مرکز آمار ایران بهره برده است که از همکاری این سازمان‌ها نیز صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود. از خوانندگان محترم تقاضا می‌شود تا نظرات اصلاحی خود را در ارتباط با محتوای مجموعه حاضر به گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی پژوهشکده آمار منعکس نمایند.

گروه پژوهشی آمارهای اقتصادی

پژوهشکده آمار

فهرست مطالب

۱	کلیات
۱-۱-۱	مقدمه
۲-۱-۱	طرح مسئله
۳-۱-۱	اهمیت و ضرورت
۴-۱-۱	اهداف تفصیلی طرح
۵-۱-۱	روش تحقیق
۶-۱-۱	تعاریف و مفاهیم
۶-۱-۱-۱	تعاریف مفهومی
۷-۱-۲	تعاریف عملیاتی
۱۱	ادبیات نظری تحقیق
۱-۲-۱	نظریه راونشتاین
۲-۲-۱	نظریه لاری ساستاد
۳-۲-۱	نظریه اورت. س. لی
۴-۲-۱	نظریه زیپف یا جاذبه مهاجرتی
۵-۲-۱	نظریه آرتور لوئیس
۶-۲-۱	نظریه تودارو
۷-۲-۱	نظریه سرمایه انسانی
۸-۲-۱	نظریه شبکه مهاجرتی
۹-۲-۱	نظریه کارکرد باوری
۱۰-۲-۱	نظریه سیستمی مهاجرت
۱۱-۲-۱	نظریه محرومیت نسبی
۲۱	یافته‌های پژوهش
۱-۳-۱	مقدمه
۱-۱-۳	استان آذربایجان شرقی
۲-۱-۳	استان آذربایجان غربی

۲۶	استان اردبیل	۳-۱-۳
۲۸	استان اصفهان	۴-۱-۳
۳۰	استان البرز	۵-۱-۳
۳۲	استان ایلام	۶-۱-۳
۳۴	استان بوشهر	۷-۱-۳
۳۶	استان تهران	۸-۱-۳
۳۸	استان چهارمحال بختیاری	۹-۱-۳
۴۰	استان خراسان جنوبی	۱۰-۱-۳
۴۲	استان خراسان رضوی	۱۱-۱-۳
۴۴	استان خراسان شمالی	۱۲-۱-۳
۴۶	استان خوزستان	۱۳-۱-۳
۴۸	استان زنجان	۱۴-۱-۳
۵۰	استان سمنان	۱۵-۱-۳
۵۲	استان سیستان و بلوچستان	۱۶-۱-۳
۵۴	استان فارس	۱۷-۱-۳
۵۶	استان قزوین	۱۸-۱-۳
۵۸	استان قم	۱۹-۱-۳
۶۰	استان کردستان	۲۰-۱-۳
۶۲	استان کرمان	۲۱-۱-۳
۶۴	استان کرمانشاه	۲۲-۱-۳
۶۶	استان کهگیلویه و بویراحمد	۲۳-۱-۳
۶۸	استان گلستان	۲۴-۱-۳
۷۰	استان گیلان	۲۵-۱-۳
۷۲	استان لرستان	۲۶-۱-۳
۷۴	استان مازندران	۲۷-۱-۳
۷۶	استان مرکزی	۲۸-۱-۳
۷۸	استان هرمزگان	۲۹-۱-۳
۸۰	استان همدان	۳۰-۱-۳
۸۲	استان یزد	۳۱-۱-۳

۸۵

نتیجه‌گیری

۸۹

مرجع‌ها

فهرست جدول‌ها

- جدول ۳-۱- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان آذربایجان شرقی..... ۲۳
- جدول ۳-۲- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان آذربایجان غربی..... ۲۵
- جدول ۳-۳- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان اردبیل..... ۲۷
- جدول ۳-۴- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان اصفهان..... ۲۹
- جدول ۳-۵- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان البرز..... ۳۱
- جدول ۳-۶- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان ایلام..... ۳۳
- جدول ۳-۷- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان بوشهر..... ۳۵
- جدول ۳-۸- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان تهران..... ۳۷
- جدول ۳-۹- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان چهارمحال و بختیاری..... ۳۹
- جدول ۳-۱۰- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان خراسان جنوبی..... ۴۱
- جدول ۳-۱۱- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان خراسان رضوی..... ۴۳
- جدول ۳-۱۲- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان خراسان شمالی..... ۴۵
- جدول ۳-۱۳- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان خوزستان..... ۴۷
- جدول ۳-۱۴- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان زنجان..... ۴۹
- جدول ۳-۱۵- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان سمنان..... ۵۱
- جدول ۳-۱۶- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان سیستان و بلوچستان..... ۵۳
- جدول ۳-۱۷- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان فارس..... ۵۵
- جدول ۳-۱۸- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان قزوین..... ۵۷
- جدول ۳-۱۹- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان قم..... ۵۹
- جدول ۳-۲۰- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان کردستان..... ۶۱
- جدول ۳-۲۱- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان کرمان..... ۶۳
- جدول ۳-۲۲- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان کرمانشاه..... ۶۵
- جدول ۳-۲۳- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان کهگیلویه و بویراحمد..... ۶۷
- جدول ۳-۲۴- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان گلستان..... ۶۹
- جدول ۳-۲۵- ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان گیلان..... ۷۱

جدول ۳-۲۶ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان لرستان.....	۷۳
جدول ۳-۲۷ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان مازندران.....	۷۵
جدول ۳-۲۸ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان مرکزی.....	۷۷
جدول ۳-۲۹ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان هرمزگان.....	۷۹
جدول ۳-۳۰ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان همدان.....	۸۱
جدول ۳-۳۱ - ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان یزد.....	۸۳
جدول ۴-۱ - بررسی گزیده ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان‌ها.....	۸۸

کلیات

۱-۱- مقدمه

ارتباط متقابل جمعیت و توسعه به عنوان یکی از مهم‌ترین مباحث مطرح شده در سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی اجتماعی و اقتصادی است. تحولات رشد جمعیت و مؤلفه‌های پویایی جمعیت در دهه‌های اخیر و پیامدهای اقتصادی و اجتماعی آن در زمینه توسعه اقتصادی و اجتماعی کشور و افزون بر این لزوم توجه بر تغییرات آتی رشد جمعیت و ترکیب جمعیت در توجه بیش از پیش سیاست‌گذاران به مقوله تحولات جمعیتی نقش شایان توجهی داشته است.

کشور ایران در طول دهه‌های اخیر تحولات جمعیتی اجتماعی متفاوتی را تجربه نموده است. در دوره ۱۳۶۵-۱۳۵۵ میزان رشد سالانه جمعیت کل کشور حدود ۳/۹ بوده است که این میزان در طی دوره ۱۳۶۵-۱۳۷۵، به رقم ۱/۹۶ درصد رسیده است. با ادامه کاهش رشد جمعیت، در طی دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط رشد سالانه جمعیت برابر با ۱/۶۲ درصد و در سال ۱۳۹۰، ۱/۲۹ درصد برآورد شده است. اگرچه عامل مرگ و میر و مهاجرت بین‌المللی در تغییرات رشد جمعیت تأثیرگذار بوده است ولی تغییرات باروری به سبب میزان اهمیت بالای آن در تغییرات جمعیت یک کشور، نقش قابل ملاحظه‌ای در تغییرات رشد جمعیت کشور داشته است.

در کنار تحولات رشد جمعیت کشور، به سبب الگوی متمایز استانی و منطقه‌ای مؤلفه‌های جمعیتی، میزان رشد جمعیت در سطح استان‌های کشور نیز متمایز بوده است. در دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ متوسط رشد جمعیت نقاط شهری ۳/۲۱ درصد و جمعیت نقاط روستایی ۰/۲۸ درصد بوده است. در سطح استانی نیز پراکندگی قابل توجهی مشاهده شده است. به طوری که استان‌های سیستان و بلوچستان (۳/۴ درصد)، کرمان (۲/۸۴ درصد)، هرمزگان (۲/۸۳ درصد)، تهران (۲/۶۴ درصد)، قم (۲/۰۷ درصد) و یزد (۲/۰۳ درصد) از بیشترین درصد رشد سالانه جمعیت برخوردارند. رشد سالانه جمعیت استان‌های همدان (۰/۱۵ درصد)، اردبیل (۰/۵ درصد)، کرمانشاه

(۵۵٪ درصد)، کردستان (۶۸٪ درصد)، زنجان (۶۹٪ درصد)، گیلان (۷٪ درصد)، لرستان (۸٪ درصد)، آذربایجان شرقی (۸۱٪ درصد) و مرکزی (۹۵٪ درصد) زیر یک درصد بوده است (نوراللهی و همکاران، ۱۳۸۶). در دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ نیز همانند دوره ۱۳۷۵-۱۳۸۵ رشد جمعیت در مناطق مختلف کشور متفاوت بوده است. در این دوره استان البرز که از استان تهران جدا شده، پس از استان بوشهر که بالاترین میزان رشد جمعیت (۳۱٪ درصد) داشته است، با میزان ۳۰۴ درصد در مقام دوم قرار دارد. استان اردبیل و ایلام به ترتیب پایین‌ترین رشد سالیانه جمعیت را داشته‌اند.

این امر به خوبی نشان از تفاوت منطقه‌ای تغییرات جمعیت دارد. شناخت تفاوت‌های منطقه‌ای رشد جمعیت و مؤلفه‌های آن ضرورت انکارناپذیر اعمال سیاست‌های مداخله‌ای و برنامه‌ریزی‌های اقتصادی و اجتماعی است. در کنار باروری و مرگ و میر، مهاجرت و تحرکات مکانی به عنوان عاملی مهم در تغییرات رشد جمعیت مناطق مختلف کشور تبدیل شده است. روند تحولات مهاجرت، تغییر الگوهای مهاجرتی از مهاجرت‌های روستا-شهری به مهاجرت‌های بین استانی لزوم شناخت ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست را ناگزیر می‌سازد. در این تحقیق سعی بر آن است تا با ارائه تصویری جامع از ویژگی‌های اقتصادی، اجتماعی و جمعیتی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست زمینه را برای برنامه‌ریزی متوازن اقتصادی و اجتماعی فراهم سازد. به منظور نیل به این هدف از روش تحقیق تحلیل ثانویه و با تکیه بر داده‌های سرشماری ۱۳۹۰ و سایر اطلاعات اقتصادی و اجتماعی پایگاه داده مرکز آمار ایران استفاده شده است.

۱-۲- طرح مسئله

مهاجرت در کنار این‌که یکی از مهم‌ترین مؤلفه‌های جمعیتی است ولی پدیده‌ای چند بعدی است که شناخت آن بایستی مبتنی بر گزینش رویکرد اقتصادی، اجتماعی، جمعیتی، روانشناختی و ... باشد. امکان تحقق چندباره مهاجرت‌های افراد سبب شده است که مهاجرت همواره به مثابه یک روند جمعیتی نگرینسته شود تا واقعه جمعیتی (صادقی، ۱۳۹۲).

در کنار باروری و مرگ و میر، مهاجرت و تحرکات مکانی از مهم‌ترین عوامل تعیین‌کننده تغییرات رشد جمعیت استان‌ها کشور به شمار می‌رود. افزون بر این، تغییرات الگوی مهاجرتی در ایران در چند دهه اخیر اهمیت مهاجرت در تحولات جمعیتی دوچندان ساخته است.

الگوی مهاجرت‌های داخلی نشان می‌دهد که در طول دوره زمانی ۱۳۵۵-۱۳۹۰، بر نسبت مهاجرت‌های شهر به شهر به طور چشمگیری اضافه شده و برعکس، از نسبت مهاجرت‌های روستا به روستا کاسته شده است. با توجه به روند افزایشی درصد شهرنشینی در ایران طی دهه‌های اخیر (۴۷ درصد، ۵۴/۳ درصد، ۶۱/۳ درصد، ۶۸/۵ درصد و ۷۱/۴ درصد به ترتیب برای سرشماری‌های ۱۳۵۵، ۱۳۶۵، ۱۳۷۵، ۱۳۸۵ و ۱۳۹۰) این امر ایجاب می‌نماید که نسبت مهاجرت‌های اتفاق افتاده بین دو نقطه شهری نسبت به مهاجرت‌های بین دو نقطه روستایی افزایش یابد. نکته قابل توجه، روند نزولی منظم مهاجرت‌های روستا به شهر در طول ۳۵ سال اخیر است. به ویژه این‌که در سرشماری ۱۳۹۰ سهم مهاجرت‌های شهر-روستا نسبت به مهاجرت‌های روستا-شهر در

سطح بالاتری قرار دارد. افزایش مهاجرت‌های درون شهرستانی در سال‌های اخیر، کاهش مهاجرت‌های درون شهرستانی در داخل استان از مهم‌ترین تغییرات الگوی مهاجرت‌های داخلی است (قاسمی و دیگران، ۱۳۹۲). نکته قابل ذکر در الگوی مهاجرتی کشور، سهم بالای مهاجرت‌های بین استانی (۴۰ درصد) و تداوم این مهم در دوره ۱۳۵۵-۱۳۹۰ است. این امر سبب شده است تا در طول این دوره، استان‌های کشور با دو الگوی غالب مهاجرپذیری و مهاجرفرستی مواجه بوده و استان‌های کشور با در نظر گرفتن خالص مهاجرتی در دو جبهه مهاجرفرستی و مهاجرپذیری طبقه‌بندی شوند.

مهاجرپذیری و مهاجرفرستی در هر کدام از استان‌های کشور می‌تواند پیامدهای متفاوت اقتصادی و اجتماعی و جمعیتی به دنبال داشته باشد که بسته به شرایط استان مقصد و مبداء متفاوت است. اعمال سیاست‌های مداخله‌ای مهاجرتی با هدف به حداقل رساندن پیامدهای اقتصادی و اجتماعی و بازتوزیع مطلوب جمعیت نیازمند شناخت ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست و محرکه‌ها و بازدارنده‌های مهاجرتی است.

با این‌همه، هدف اصلی این تحقیق پاسخ به این سؤال اساسی است که ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجر فرست چیست؟ تفاوت اقتصادی و اجتماعی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرپذیر در چیست؟

۱-۳- اهمیت و ضرورت

توجه بیش از پیش به ابعاد توسعه‌ای جمعیت و ابعاد آن و تحولات مؤلفه‌های جمعیتی سبب شده است تا شناخت این تحولات به عنوان جزء انکارناپذیر هر سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی تبدیل گردد. کشور ایران در چند دهه اخیر شاهد تحولات شگرف و بی‌سابقه جمعیتی بوده است. کاهش مرگ و میر، افزایش باروری و سپس کاهش شگرف باروری، افزایش مهاجرت‌های روستا شهری و مهاجرت‌های بین استانی در دهه اخیر به همراه گذار ساختار سنی سبب شده تا ابعاد جدیدی از رابطه بین تحولات جمعیتی و توسعه اقتصادی و اجتماعی بروز کند. این امر لزوم توجه سیاست‌گذاران را به روندهای آتی پویایی را ناگزیر ساخته است.

تحولات اخیر مهاجرتی در کشور سبب شده است تا سیاست‌گذاران اجتماعی و اقتصادی لزوم توجه ویژه به مهاجرت و بازتوزیع مطلوب جمعیت با تکیه بر قابلیت‌ها و ظرفیت‌های استانی مطمح نظر قرار دهند. بررسی ویژگی‌های اقتصادی و اجتماعی استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست در قالب این طرح پژوهشی می‌تواند زمینه‌های شناختی لازم برای برنامه‌ریزی و سیاست‌گذاری فراهم سازد.

۱-۴- اهداف تفصیلی طرح

اهداف تفصیلی این پژوهش را می‌توان به صورت زیر برشمرد:

- ۱- مطالعه الگوهای مهاجرتی کشور
- ۲- تعیین مهاجرفرستی و مهاجرپذیری استان‌های کشور

- ۳- مطالعه ویژگی‌های اقتصادی (میزان فعالیت، میزان اشتغال، تولید ناخالص، حساب‌های اقتصادی، نسبت وابستگی و...) استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست
- ۴- مطالعه ویژگی‌های اجتماعی- جمعیتی (ساختار سنی، میزان باسوادی، الگوی باروری، الگوی مرگ و میر و...) استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست
- ۵- شناخت تفاوت‌های اقتصادی و اجتماعی بین استان‌های مهاجرپذیر و مهاجرفرست

۱-۵- روش تحقیق

روش مورد استفاده در این پژوهش روش تحلیل داده‌های ثانویه نتایج آماری سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ کل کشور و استان‌ها است. اطلاعات مورد استفاده در این پژوهش بر تحلیل نتایج اطلاعات سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ و سایر اطلاعات اقتصادی و اجتماعی استان‌ها مبتنی است که توسط مرکز آمار ایران منتشر شده‌اند.

۱-۶- تعاریف و مفاهیم

مفاهیم به کار رفته در این تحقیق در قالب تعاریف مفهومی و عملیاتی به ترتیب زیر است:

۱-۶-۱- تعاریف مفهومی

مفاهیم و شاخص‌های مندرج در این تحقیق، مطابق تعاریف موجود در سرشماری عمومی نفوس و مسکن ۱۳۹۰ تعریف می‌شوند، از این رو ذکر همه‌ی آن‌ها در این جا ضرورتی ندارد و فقط مفاهیم و شاخص‌های مرتبط با مهاجرت و شاخص‌هایی که به صراحت در نشریات سرشماری تعریف نشده‌اند، توضیح داده خواهند شد. مهاجرت از آن جمله کلماتی است که علوم مختلف به تناسب نیاز خود به تعریف این کلمه پرداخته‌اند. همچنین در علم جمعیت‌شناسی افراد با توجه به نگرش‌ها و دیدگاه‌های خود به تبیین این کلمه پرداخته‌اند. در جمعیت‌شناسی، تعریف عام مهاجرت عبارت است از «تغییر محل اقامت فرد از یک نقطه به نقطه دیگر» (زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱۲).

مهاجرت در کتاب لغت‌نامه جمعیت‌شناسی سازمان ملل این‌گونه تعریف شده است: «شکلی از تحرک جغرافیایی یا ترک مکانی است که بین دو واحد جغرافیایی صورت می‌گیرد. این تحرک جغرافیایی تغییر اقامتگاه از مبدأ یا محل حرکت به مقصد یا محل ورود است. این‌گونه مهاجرت‌ها را مهاجرت دائم گویند و باید آن را از اشکال دیگر حرکات جمعیت که متضمن تغییر دائمی محل اقامت نیست تفکیک کرد (امانی و دیگران، ۱۳۵۴: ۷۱).

مهاجرت واژه‌ای است که برای انواع حرکات جمعیتی بین قلمروها که منجر به تغییر دائم یا نیمه دائم مکان سکونت شود، به کار می‌رود. واژه مهاجرت در فرهنگ فارسی معین به معنی از موطن خود به جایی دیگر انتقال کردن، آمده است. همچنین در لغت‌نامه دهخدا مهاجرت به معنی ترک دیار گفتن و در مکان دیگر اقامت کردن می‌باشد (دهخدا، ۱۳۵۲: ۱۵۹).

مهاجرت به معنی اعم کلمه عبارت است از ترک سرزمین اصلی و ساکن شدن در سرزمین دیگر به طور دائم یا موقت. ولی به معنی اخص کلمه مهم‌ترین نوع تحرک جمعیت بوده و عبارت است از جابه‌جایی دسته‌جمعی یا انفرادی انسان‌ها به طور دائم بدون قصد بازگشت به مبدأ (کاظمی پور، ۱۳۸۴: ۹۶).
 به نظر جرج (۱۹۷۶)، مهاجرت نوعی انتخاب است که از طرف مهاجر انجام می‌گیرد. علل و انگیزه‌های انتخاب هرچه باشد نتیجه ملموس آن تغییر محل اقامت معمولی فرد در یک محدوده جغرافیایی به محدوده دیگر است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۵).
 پی‌یر لروی در کتاب استعمار، مهاجرت را یک اقدام اجتماعی-اقتصادی مطابق با فطرت و نیازهای طبیعی انسان می‌داند (همان: ۶).

۱-۷-۲- تعاریف عملیاتی

مهاجر: آن دسته از اعضای خانوارهای معمولی ساکن، گروهی و مؤسسه‌ای که شهر یا آبادی محل اقامت خود را در فاصله آبان ۱۳۸۵ تا آبان ۱۳۹۰ تغییر داده‌اند، مهاجر شناخته می‌شوند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۶).
 میزان مهاجرفرستی: عبارت است از نسبت همه افرادی که منطقه‌ای خاص را طی دوره زمانی مشخص ترک می‌کنند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی ضرب در هزار (زنجانی، ۱۳۷۶: ۲۱۳).

$$\text{میزان مهاجرفرستی} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران خارج شده}}{\text{جمعیت میانه دوره}} \times 1000$$

میزان مهاجرپذیری: عبارت است از نسبت افرادی که طی دوره زمانی مشخص به منطقه‌ای خاص وارد می‌شوند به تعداد کل جمعیت آن منطقه در میانه همان دوره زمانی ضرب در هزار (همان: ۲۱۴).

$$\text{میزان مهاجرپذیری} = \frac{\text{تعداد کل مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میانه دوره}} \times 1000$$

نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی: عبارت است از تعداد مهاجران وارد شده به تعداد مهاجران خارج شده در یک دوره زمانی معین (همان).

$$\text{نسبت مهاجرپذیری به مهاجرفرستی} = \frac{\text{تعداد مهاجران وارد شده}}{\text{تعداد مهاجران خارج شده}}$$

نسبت مهاجرت: عبارت است از نسبت تعداد خالص مهاجران یک منطقه طی دوره زمانی معین به حاصل تفریق تعداد مرگ و میرها از تعداد تولدهای آن منطقه طی دوره زمانی مذکور ضرب در هزار، این شاخص سهم مهاجرت را نسبت به افزایش طبیعی جمعیت (موالید و مرگ و میر) در تغییرات حجم جمعیت نشان می‌دهد (همان).

$$\text{نسبت مهاجرت} = \frac{\text{تعداد خالص مهاجران}}{\text{تعداد فوت شدگان} - \text{تعداد موالید}} \times 1000$$

میزان خالص مهاجرت: عبارت است از حاصل تفریق تعداد افرادی که منطقه مشخصی را طی دوره زمانی معین ترک می‌کنند^۱ (E) از تعداد افرادی که طی همان دوره زمانی وارد منطقه مذکور می‌شوند^۲ (I) تقسیم بر جمعیت میان دوره ضربدرهزار. اگر این دو رقم با هم برابر باشند یعنی $I=E$ ، میزان خالص مهاجرت برابر با صفر می‌شود. اگر تعداد مهاجران وارد شده بیش از مهاجران خارج شده باشد یعنی $(I>E)$ این میزان مثبت و چنانچه مهاجران خارج شده بیش از مهاجران وارد شده باشد $(I < E)$ این میزان منفی خواهد بود. اگر حاصل میزان خالص مهاجرت مثبت باشد بیانگر مهاجرپذیر بودن منطقه و اگر منفی باشد نشان‌دهنده مهاجرفرست بودن منطقه است (همان).

$$\text{میزان خالص} = \frac{\text{مهاجران خارج شده} - \text{مهاجران وارد شده}}{\text{جمعیت میانه دوره}} \times 1000$$

علت مهاجرت

- ۱- جستجوی کار: افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی، بیکار بوده و برای جستجوی کار به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند و همچنین افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی بیکار بوده و برای اشتغال به کار مشخص، به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند در جستجوی کار به حساب آمده‌اند.
- ۲- جستجوی کار بهتر: افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی، دارای کار بوده‌اند و به منظور جستجوی کار بهتر به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند و همچنین افرادی که قبل از ترک محل اقامت قبلی دارای کار بوده و برای انتقال به کار مشخص بهتر به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند در جستجوی کار بهتر به حساب آمده‌اند.
- ۳- انتقال شغلی: افرادی که به علت انتقال شغلی در مشاغل مزد و حقوق‌بگیری محل اقامت قبلی خود را تغییر داده‌اند و به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.
- ۴- تحصیل: افرادی که محل اقامت قبلی خود را به منظور تحصیل در شهر یا آبادی محل سرشماری تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.
- ۵- پایان تحصیل: افرادی که به علت پایان تحصیل، محل اقامت قبلی خود را تغییر داده و به شهر یا آبادی محل سرشماری وارد شده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.
- ۶- انجام خدمت یا پایان وظیفه: افرادی که به منظور انجام خدمت وظیفه یا به علت پایان خدمت وظیفه محل اقامت قبلی خود را به شهر یا آبادی محل سرشماری تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

^۱ Emigration.

^۲ Immigration.

۷- دستیابی به مسکن مناسب‌تر: آن دسته از افرادی که به دلیل دستیابی به مسکن مناسب‌تر (ارزان‌تر، با امکانات بهتر و ...) محل اقامت خود را تغییر داده‌اند در این گروه قرار می‌گیرند.

۸- پیروی از خانوار: افرادی که به پیروی از سایر اعضای خانوار محل اقامت خود را تغییر داده‌اند، در این گروه قرار می‌گیرند.

۹- سایر: افرادی که تغییر محل اقامت آن‌ها به علتی غیر از موارد مذکور، مانند شرایط آب و هوایی، استفاده از امکانات بهتر و زندانی شدن و ... بوده است در این گروه قرار می‌گیرند (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰: ۱۷).

جمعیت (جامعه مورد سرشماری): اعضای همه خانوارهای معمولی ساکن، مؤسسه‌ای و گروهی که اقامتگاه معمولی آنان در زمان سرشماری در ایران قرار دارد و نیز اعضای تمامی خانوارهای معمولی غیر ساکن کشور، جامعه مورد سرشماری را تشکیل می‌دهند. اعضای هیئت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های خارجی در ایران و افراد خانوار آنان جزو جامعه مورد سرشماری محسوب نمی‌شوند، اما ایرانیان عضو هیئت‌های سیاسی و سفارتخانه‌های ایران در خارج از کشور و افراد خانوار آنان، جزو جامعه مورد سرشماری به حساب می‌آیند.

متوسط رشد سالانه جمعیت در یک دوره: عبارت است از نسبت تغییرات سالانه یک جمعیت به کل جمعیت که به صورت درصد بیان می‌شود. متوسط رشد سالانه جمعیت در طول یک دوره از رابطه زیر محاسبه می‌شود:

که در آن:

r عبارت است از متوسط رشد سالانه جمعیت

P_n عبارت است از جمعیت در انتهای دوره

P_0 عبارت است از جمعیت در ابتدای دوره

t عبارت است از طول دوره برحسب سال

$$r = \sqrt[t]{\frac{P_n}{P_0}} - 1$$

نسبت جنسی: عبارت است از نسبت تعداد مردان به زنان یا زنان به مردان که معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود. در این نشریه، نسبت تعداد مردان به زنان ارائه شده است. که در آن:

$$\text{نسبت جنسی} = \frac{M}{F} \times 100$$

M عبارت است از تعداد مردان

F عبارت است از تعداد زنان

میزان کل باروری: مجموع میزان‌های باروری ویژه‌ی سنی در کل سنین تولید مثل، برای یک دوره‌ی زمانی معین (معمولاً یک سال). این میزان را می‌توان به این صورت نیز تفسیر کرد: تعداد کودکانی که یک زن در طول زندگی خود، به دنیا خواهد آورد، اگر در عمر خود، در هر سن میزان‌های باروری دوره‌ای برای آن سن، را تجربه کند.

میانگین سنی: متوسط سن افراد یک جامعه است و از تقسیم کردن مجموع حاصل ضرب‌های هر یک از سنین منفرد در فراوانی افراد در آن سن، به کل جمعیت حاصل می‌شود.

که در آن:

$$\text{میانگین سنی} = \frac{\sum_{i=0}^{\omega} i.F_i}{\sum_{i=0}^{\omega} F_i}$$

... و ۳ و ۲ و ۱ و ۰ عبارت است از سنین منفرد
 F_i عبارت است از تعداد افراد در سن (i)

میان‌سنی: سنی که جمعیت را از نظر تعداد به دو گروه مساوی تقسیم کند، میان‌سنی نامیده می‌شود.
 که در آن:

$$Md = L_i + \left(\frac{\frac{N}{2} - FC_{i-1}}{F_i} \right) \times C$$

Md عبارت است از میان‌سنی
 L_i عبارت است از کرانه پایین گروه میان‌سنی‌دار
 FC_{i-1} عبارت است از فراوانی تجمعی گروه ماقبل طبقه میان‌سنی‌دار
 F_i عبارت است از فراوانی مطلق طبقه میان‌سنی‌دار
 N عبارت است از تعداد کل جمعیت
 C عبارت است از فاصله طبقات

امید زندگی بدو تولد: امید زندگی در لحظه تولد (e_0)، متوسط سال‌هایی است که شخص در هنگام تولد انتظار دارد زندگی کند.

میزان باسوادی: این میزان در هر جامعه از تقسیم تعداد افراد باسواد در یک سن یا گروه سنی معین به جمعیت آن سن یا گروه سنی به دست می‌آید و معمولاً به صورت درصد بیان می‌شود.

میزان جوانی جمعیت: نسبت جمعیت ۰-۱۴ ساله به کل جمعیت نشانگر میزان جوانی جمعیت است که آستانه آن ۴۰ درصد است.

میزان سالخوردگی جمعیت: نسبت سالخوردگی جمعیت یکی دیگر از شاخص‌هایی است که جهت تحلیل ترکیب سنی جمعیت به کار می‌رود. این شاخص نسبت جمعیت بالای ۶۰ سال را به جمعیت صفر تا چهارده سال نشان می‌دهد. با بالا رفتن نسبت مذکور بر اهمیت جمعیت بالای ۶۰ سال نسبت به جمعیت صفر تا چهارده سال افزوده می‌شود.

تراکم جمعیت: عبارت است از متوسط تعداد افراد جمعیت در یک کیلومتر مربع از منطقه مورد نظر.

که در آن:

$$\text{تراکم جمعیت} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{مساحت (کیلومتر)}} =$$

سهم جمعیت: این شاخص از تقسیم جمعیت هر استان به جمعیت کل کشور و ضرب آن در عدد ۱۰۰ به دست می‌آید.

میزان شهرنشینی: این شاخص از نسبت تعداد جمعیت ساکن در نقاط شهری به جمعیت کل کشور به دست می‌آید.

که در آن:

$$\text{میزان شهرنشینی} = \frac{\text{جمعیت نقاط شهری}}{\text{کل جمعیت}} \times 100$$

متوسط بعد خانوار: عبارت است از متوسط تعداد اعضای خانوار و از رابطه زیر محاسبه می شود:

که در آن:

$$\text{متوسط بعد خانوار} = \frac{\text{جمعیت}}{\text{تعداد خانوار}}$$

میزان بیکاری: میزان بیکاری به نسبت جمعیت بیکار به کل جمعیت فعال گفته می شود.

نرخ مشارکت اقتصادی: از تقسیم (شاغل و بیکار) ۱۰ ساله و بیشتر (۱۵ ساله و بیشتر) به جمعیت در

سن کار ۱۰ ساله و بیشتر (۱۵ ساله و بیشتر) ضرب در ۱۰۰ محاسبه می شود.

ادبیات نظری تحقیق

مهاجرت پدیده‌ای چند بعدی است که تبیین آن نیازمند اتخاذ رویکردی چند وجهی است. از این رو است که به مهاجرت به عنوان موضوعی میان‌رشته‌ای نگریسته می‌شود. الگوهای نظری مهاجرت نیز پدیده مهاجرت را از ابعاد گوناگون اقتصادی، اجتماعی، روانشناختی، سیستمی مورد بررسی قرار داده‌اند. در ادامه برخی از مدل‌های نظری موجود در زمینه تبیین مهاجرت ارائه می‌گردد.

۱-۲- نظریه راونشتاین

برخی از محققان علوم اجتماعی نظریات راونشتاین را به‌عنوان یکی از نخستین نظریه‌های مهاجرتی محسوب می‌دارند. راونشتاین ابتدا در ۱۸۸۵، در مقاله‌ای به‌عنوان «قوانین مهاجرت»، نظریات خود را بیان داشت و سپس در ۱۸۸۹ به تکمیل آن پرداخت. قوانینی را که راونشتاین از آن‌ها بحث کرده است می‌توان به شرح ذیل برشمرد:

۱- فاصله و مهاجرت: شدت مهاجرت بین دو نقطه با فاصله آن دو رابطه معکوس دارد و با طولانی‌تر شدن فاصله بین مبدأ و مقصد، دو گرایش ضمنی در مهاجران ایجاد می‌شود: الف. استقرار در نقاط شهری به‌ویژه در شهرهای بزرگ و ب. مهاجرت به سوی قطب‌های صنعتی و تجاری.

۲- مهاجرت مرحله‌ای: مهاجرت از روستا به شهرهای نزدیک‌تر و کوچک‌تر و از شهرهای نزدیک و کوچک به شهرهای بزرگ‌تر و قطب‌های صنعتی و خدماتی انجام می‌گیرد. در نتیجه نوعی مرحله‌بندی مهاجرت از نقاط کم جمعیت و کم‌تر فعال به نقاط پرجمعیت و فعال‌تر وجود دارد و این جریان تا زمانی که نیروهای جاذبه در آن‌ها موجود باشد، ادامه می‌یابد.

۳- جریان و ضد جریان (تاب‌ها و بازتاب‌های مهاجرت): گرچه مهاجرت بیش‌تر از نقاط روستایی به نقاط شهری و از شهرهای کوچک‌تر به شهرهای بزرگ‌تر انجام می‌گیرد، جریان وارونه‌ای نیز از شهرهای بزرگ‌تر به

شهرهای کوچک‌تر و از نقاط شهری به نقاط روستایی وجود دارد. به همین دلیل مجموع مهاجرت‌های انجام گرفته بین دو نقطه، همواره بیش از موازنه مهاجرتی (خالص مهاجرتی) بین آن دو نقطه است. به نظر وی، موازنه مهاجرتی از روستا به شهر همواره بیش از موازنه مهاجرتی از شهر به روستا است (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

۴- اختلاف روستا- شهری در تمایل به مهاجرت: اهالی شهرک‌ها نسبت به اهالی نواحی روستایی کم‌تر مهاجرت می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۷).

۵- فزونی شمار زنان در بین مهاجران مسافت کوتاه: در بین مهاجران کوتاه سفر، زنان بیش‌تر از مردان سفر می‌کنند (همان).

۶- ارتباطات و مهاجرت: ارتباطات و توسعه آن، شناخت مهاجر از محیط پیرامون خود را افزایش می‌دهد، بنابراین رابطه مستقیمی بین آن دو ایجاد می‌شود؛ به عبارت دیگر هرچه ارتباطات گسترش یابد، مهاجرت‌ها نیز روبه افزایش می‌گذارد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۱).

۷- برتری انگیزه اقتصادی در مهاجرت: قوانین بد یا ظالمانه، مالیات سنگین، عدم جاذبه اقلیمی، شرایط اجتماعی نامساعد، و حتی اجبار (تجارت برده، حمل و نقل)، تمامی آن‌ها جریان‌های مهاجرت را ایجاد کرده و هنوز هم ایجاد می‌کنند (لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۵۷).

۲-۲- نظریه لاری ساستاد

لاری ساستاد، نظریه‌های راونشتاین درباره برتری انگیزه‌های اقتصادی در مهاجرت را به گونه دیگری مطرح کرد و به مسئله مهاجرت از دید سرمایه‌گذاری پرداخت. این بحث به تدریج تکمیل و به نظریه سرمایه نیروی انسانی موسوم شد. به نظر وی مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است؛ زیرا بر اساس نظریه وی که به نظریه هزینه- فایده موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به علاوه هزینه واقعی مهاجرت کم‌تر از درآمد قابل انتظار باشد. در غیر این صورت حتی اگر درآمد قابل انتظار در مقصد بیش از درآمد مبدأ باشد، باز هم مهاجرتی انجام نمی‌گیرد. در نظریه وی هزینه‌های مهاجرت شامل هزینه‌های پولی مستقیم، هزینه‌های پولی غیرمستقیم و هزینه‌های روانی است که مجموع آن‌ها را هزینه‌های واقعی مهاجرت می‌نامد. بیان ریاضی نظریه ساستاد به شرح ذیل است:

$$M_{od} \rightarrow \frac{(Y_d - Y_o) - T}{N(1+r)}$$

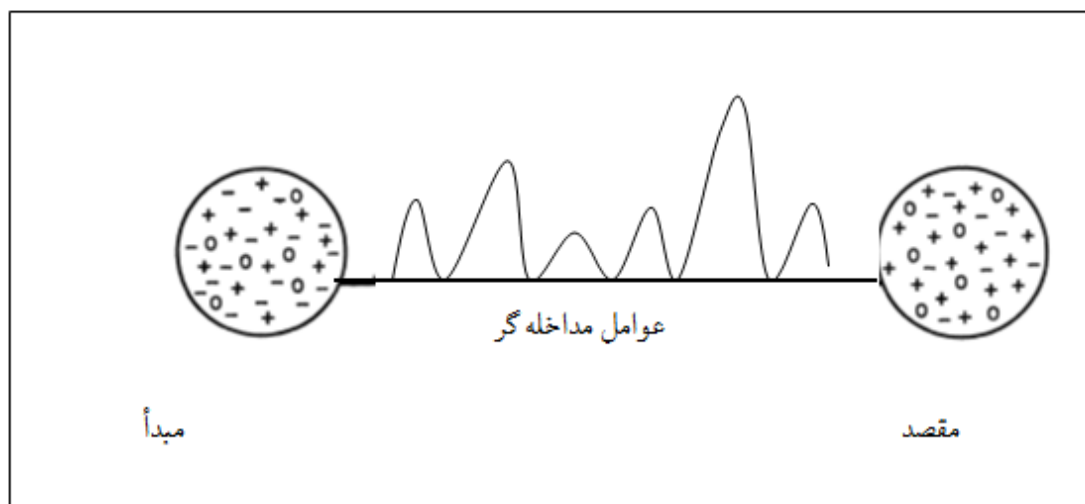
که در آن 0 مبدأ، d مقصد، M_{od} تعداد مهاجران از مبدأ به مقصد، Y_d دریافتی مهاجر در مقصد، Y_o دریافتی مهاجر در مبدأ، T هزینه مهاجرت، r نرخ بهره پول و N تعداد سال‌هایی است که مهاجر در انتظار دریافت Y_d در مقصد به سر خواهد برد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲).

۲-۳- نظریه اورت. س. لی

اورت. س. لی در ۱۹۶۶ در مقاله‌ای با عنوان «نظریه‌ای درباره مهاجرت» که در مجله جمعیت‌شناسی آمریکا منتشر کرد مهاجرت را تحت تأثیر چهار عامل عمده ذیل تبیین کرد:

- الف) عوامل موجود در مبدأ (برانگیزنده یا بازدارنده)
- ب) عوامل موجود در مقصد (برانگیزنده یا بازدارنده)
- ج) موانع موجود در جریان مهاجرت از مبدأ به مقصد
- د) عوامل شخصی

نظریه وی به تئوری عوامل دافعه و جاذبه معروف است و بر آن اساس، در صورتی که برآیند عوامل برانگیزنده و بازدارنده مثبت باشد میل به مهاجرت در فرد ایجاد می‌شود و اگر چنانچه عوامل شخصی نتواند این تمایل را از بین ببرد و موانع موجود در جریان مهاجرت نیز تأثیر بازدارنده‌ای اعمال نکند، مهاجرت عینیت می‌یابد و فرد حرکت خود را از مبدأ به مقصد آغاز می‌کند. وی وجود امکانات بیشتر آموزشی، اشتغال و درآمد را در مبدأ از جمله عوامل جاذبه به حساب می‌آورد و در مقابل هزینه‌های بالای زندگی در محل جدید، دوری از خانه و کاشانه و آلودگی محیط زیست را از عوامل دافعه محسوب می‌دارد. نکته قوت نظریه لی تأکید درست و به جای او درباره عوامل شخصی است. تحت تأثیر این عوامل است که برخی از افراد مهاجرت را ترجیح می‌دهند و به آن مبادرت می‌ورزند و برخی دیگر در محل سکونت خود باقی می‌مانند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲-۱۳۳).



(لهسایی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۲)

شکل ۱-۲: عوامل مبدأ و مقصد و بازدارنده در مهاجرت

سه عامل اول در شکل ۱-۲ نشان داده شده است. در هر حوزه عوامل متعددی در جذب افراد در آن حوزه مؤثر بوده و همچنین عوامل دیگری که موجب دفع افراد از آن حوزه می‌شوند، وجود دارد. این عوامل در شکل ۱-۲ به صورت علائم + (مثبت) و - (منفی) نشان داده شده‌اند. عوامل دیگری هم به صورت ۰ (خنثی) نشان

داده شده است که این علامت برای افراد ضرورتاً بی‌تفاوت (خنثی) است. برخی از این عوامل موجب هدایت بیشتر افراد در جهت خاصی می‌گردد، در حالی که عوامل دیگری موجب هدایت افراد در راه‌های مختلف می‌شود. مثلاً آب و هوای خوب عامل جاذب و آب و هوای بد عامل دافع برای افراد است، اما یک نظام آموزشی خوب ممکن است جزء عوامل مثبت برای کودکان و نوجوانان و عامل منفی برای شهروندانی که فاقد بچه هستند، باشد. چون که بخاطر تحصیل مالیات زیادی اخذ می‌گردد، در حالی که برای مرد مجرد فاقد دارائی مشمول مالیات، در این حالت بی‌تفاوت و خنثی محسوب می‌شود (لهسائی‌زاده، ۱۳۶۸: ۶۱).

۲-۴- نظریه زیپف یا جاذبه مهاجرتی

این نظریه یک بحث ساده ریاضی است که به وسیله زیپف در ۱۹۴۶ مطرح و سپس به وسیله دیگران تکمیل شد. شاید بتوان آن را متأثر از قانون اول راونشتاین درباره فاصله و مهاجرت و قوانین جاذبه نیوتن دانست. به باور وی مهاجرت از شهری به شهر دیگر رابطه مستقیمی با تعداد جمعیت آن دو شهر و رابطه معکوسی با فاصله آن‌ها دارد. او نظریه خود را به صورت ذیل بیان داشت:

$$M_{od} \rightarrow KP_o P_d D_{od}^{-a}$$

M_{od} تعداد مهاجران بین دو شهر مبدأ (o) و مقصد (d)، P_o و P_d جمعیت آن‌ها، D_{od} فاصله بین آن دو شهر و K و a ضرایب مثبتی هستند که تحت تأثیر شرایط و اوضاع و احوال دیگر قرار دارند. با فرض $a=2$ این رابطه قانون جاذبه عمومی را به یاد می‌آورد که با حاصل ضرب جرم دو سیاره و عکس مجذور فاصله آن‌ها $\frac{MM'}{d^2}$ تبیین می‌شود. شواهد تجربی زیادی این نظریه را رد یا تأیید کرده‌اند. نکته قوت این نظریه، در تغییرپذیر بودن مقادیر K و a است که همخوانی این نظریه را با مطالعات تجربی امکان‌پذیر می‌کند. با این همه هنگامی که فاصله بین مبدأ و مقصد کوتاه باشد کاربرد این نظریه به «اضافه برآورد مهاجران» منجر می‌شود. کولدروف با تبدیل مقیاس اندازه‌گیری فاصله از حالت ساده به صورت لگاریتمی اثرگذاری بیش از حد فاصله بر تعداد مهاجران را تعدیل کرد و والتر ایزراد در ۱۹۶۰ اثرگذاری مفاهیم جامعه‌شناختی و فناوری، نظیر فاصله فرهنگی، زبانی، مذهبی و فنی بین مبدأ و مقصد را بر حجم مهاجران تأکید کرد و استوفر عامل فرصت‌ها و رقابت‌ها، سامر میجر در بحث مهاجرت‌های بین منطقه‌ای عامل جاذبه‌ها در مبدأ و مقصد را بر آن افزود. سرانجام لاری در ۱۹۶۶ درصد دخالت دادن نقش عوامل اقتصادی در آن برآمد و بدین ترتیب نظریه ساده زیپف به یک نظریه ترکیبی از جمعیت، فاصله، عوامل اجتماعی، فرهنگی، فنی و اقتصادی تبدیل شد و تاور و مک لئود در ۱۹۷۳ آن را در بررسی مهاجرت‌های بین ایالتی در آمریکا به کار بستند و به این نتیجه رسیدند که تفاوت درآمد سرانه تأثیر چندانی بر مهاجرت اعمال نمی‌کند ولی نمی‌توان نقش عوامل دیگر را در آن نادیده گرفت. امروزه با تسهیلاتی که در امر جابه‌جایی افراد به وجود آمده است از یک طرف تفاوت فاصله‌های بین مبدأ و مقصد مهاجرتی از اهمیت افتاده و از طرف دیگر، موانع و مقررات موضوعه، از جمله اخذ ویزا یا عدم نیاز به آن، مفهوم فاصله را دگرگون کرده است؛ از این‌رو بعضی از صاحب‌نظران کوشیده‌اند به جای فاصله‌های معمولی، کیلومترهای همانند را به‌عنوان فاصله در نظر بگیرند. در چارچوب این نگرش چه بسا

فاصله‌های طولانی ولی دارای راه‌ها و وسایل مناسب‌تر، کم‌تر از فاصله‌های کوتاه‌تری به نظر آیند که فاقد امکانات جابه‌جایی سهل و ساده‌تری باشند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۳-۱۳۴).

۲-۵- نظریه آرتور لوئیس

نظریه آرتور لوئیس که بعدها به وسیله فی و رانیس تکمیل شد مهاجرت را در بطن فرایندهای توسعه اقتصادی تبیین می‌کند. به نظر آنان در یک اقتصاد دوگانه که از بخش نوین سرمایه‌داری و بخش سنتی معیشتی تشکیل شده باشد به دلیل آن که بخش نوین اقتصادی بر پایه بهره‌وری از نیروی کار برای تولید و سپس فروش و تحصیل سود شکل گرفته است در مقابل بخش سنتی معیشتی قرار می‌گیرد که بخشی خوداشتغال بوده و به علت عدم بهره‌گیری اقتصادی از سرمایه و فناوری از بازدهی و بهره‌وری کم‌تری برخوردار است. به گونه‌ای که حتی بازده نیروی کار در آن می‌تواند ناچیز و حتی نزدیک به صفر باشد. وضعیتی که اقتصاددانان از آن به‌عنوان بیکاری پنهان نام می‌برند. در چنین شرایطی بخش اقتصاد سنتی دارای مازاد نیروی کار است که بازدهی اندکی دارد و بخش اقتصاد نوین نیازمند نیروی کار است تا از بازده اقتصادی آن بهره‌مند شود؛ از این‌رو انتقال نیروی کار از بخش سنتی به بخش نوین اقتصادی منجر به ایجاد ارزش اضافی در بخش سرمایه‌داری می‌شود و با گسترش بخش سرمایه‌داری، نسبت پس‌انداز و سرمایه را به تولید ناخالص ملی افزایش می‌دهد. تا وقتی که چنین وضعی ادامه داشته باشد مهاجرت نیز استمرار می‌یابد و حتی تشدید هم می‌شود. این وضع نه تنها به رونق بخش سرمایه‌داری نوین منجر می‌شود بلکه حتی در بخش اقتصاد معیشتی نیز به دلیل کاستن از تعداد بیکاران پنهان، که مترادف با کاهش هزینه تولید است، قیمت تمام‌شده تولیدات بخش سنتی را نیز منطقی‌تر کرده و به رشد و شکوفایی آن می‌انجامد و در نتیجه شکاف موجود بین رشد بخش نوین و سنتی را کاهش داده و توسعه متوازی را در آن دو بخش امکان‌پذیرتر می‌کند (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

۲-۶- نظریه تودارو

تودارو نیز مانند بیشتر صاحب‌نظرانی که به بررسی مهاجرت پرداخته‌اند درصدد تبیین مهاجرت‌های روستا-شهری بوده است. وی علاوه بر آن که در کتاب توسعه اقتصادی در جهان سوم این مسئله را بررسی و تحلیل کرده، در اثر دیگر خود به تفصیل به جنبه‌های نظری آن پرداخته است. به باور وی مهاجرت از روستا به شهر در کشورهای در حال توسعه تنها با اختلاف درآمد واقعی و مورد انتظار مهاجر بین شهر و روستا تبیین نمی‌شود بلکه در این بین عوامل مهم دیگری که ممکن است مهاجرت یا ماندگاری او را در روستا به دنبال آورد، وجود دارد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۵).

به‌طور خلاصه چهار ویژگی اساسی مدل مهاجرت تودارو عبارت است از:

(۱) مهاجرت ابتدا با ملاحظات معقول اقتصادی در مورد منافع و هزینه‌های مربوط که عمدتاً اقتصادی و

همچنین روانی است برانگیخته می‌شود.

۲) تصمیم به مهاجرت بیش‌تر با توجه به تفاوت مزد واقعی مورد انتظار شهر و روستا صورت می‌گیرد تا تفاوت واقعی بین این دو. تفاوت مورد انتظار از طریق واکنش متقابل دو متغیر تعیین می‌شود که این دو متغیر عبارت خواهد بود از تفاوت واقعی مزد بین روستا و شهر و دیگری احتمال توفیق در به‌دست آوردن اشتغال در بخش نوین شهری.

۳) احتمال به‌دست آوردن یک شغل شهری، با نرخ بیکاری شهری نسبت معکوس دارد.

۴) نه تنها ممکن است نرخ‌های مهاجرت مازاد بر نرخ‌های رشد فرصت‌های اشتغال شهری وجود داشته باشد، این امر در صورت ادامه تفاوت مثبت درآمد مورد انتظار شهر و روستا، عقلانی و محتمل نیز هست (تودارو، ۱۳۶۷: ۴۲).

۲-۷- نظریه سرمایه انسانی

نظریه سرمایه انسانی^۳ که در دهه ۱۹۶۰ برای تحلیل مهاجرت به کار گرفته شد، از دیدگاه برخی تحلیل‌گران برای مطالعه مهاجرت نیروی انسانی متخصص بسیار مناسب شناخته شد. این تئوری با تلقی مهارت و تخصص انسان به‌عنوان کالایی در بازار عرضه و تقاضای کار، به تحلیل مهاجرت می‌پردازد. منظور آن است که نیروی انسانی ماهر و متخصص برای کسب دستاوردهای بهتر از جایی به جای دیگر می‌رود تا بیش‌ترین بازدهی را داشته باشد. بنابراین، تصمیم‌گیری افراد متخصص به مهاجرت، به مثابه نوعی تصمیم‌گیری برای سرمایه‌گذاری و بهره‌برداری از آن تلقی می‌شود (ارشاد، ۱۳۸۰: ۴۸). این بحث به تدریج تکمیل و به نظریه سرمایه انسانی موسوم شد. به نظر ساستاد مهاجر وقتی اقدام به مهاجرت می‌کند که این امر دارای بازده اقتصادی باشد. بازدهی که فراتر از تفاوت درآمد در مبدأ و مقصد مهاجرتی است؛ زیرا بر اساس نظریه وی که به نظریه هزینه - فایده^۴ موسوم است، مهاجرت زمانی انجام می‌گیرد که درآمد در مبدأ به علاوه هزینه واقعی مهاجرت کم‌تر از درآمد قابل انتظار باشد (زنجانی، ۱۳۸۰: ۱۳۲). نظریه سرمایه انسانی با مدل هزینه- فایده مرتبط است که در آن ارزیابی عقلانی هزینه‌ها و منافع برای مهاجرت در نظر گرفته می‌شود. مطابق با تقسیم‌بندی استارک، هزینه‌های مهاجرت موارد زیر را شامل می‌شود: هزینه‌های پولی مستقیم ناشی از مسافرت (حمل و نقل، مسکن و غیره)، هزینه‌های اطلاعات و تحقیق (زمان، پول، شناسایی شغل‌های موجود و به‌دست آوردن آن‌ها)، هزینه‌های فرصت (کنار گذاشتن درآمد در حالی که به‌خاطر کار، مسافرت و تحقیق می‌کند) و هزینه‌های روحی (ترک محیط آشنا و حرکت به یک محیط غریب). این هزینه‌ها در تمام حرکات حضور داشته اما به‌طور کلی با مسافت افزایش می‌یابد و وقتی که یک قلمرو بین‌المللی مدنظر قرار می‌گیرد به‌طور ثابت افزایش می‌یابد (استارک، ۱۹۸۴). وقتی از دید هزینه- فایده به مهاجرت نگریده می‌شود باید مسئله را در یک زمان نسبتاً طولانی‌تری در نظر آورد و به مقایسه درآمدهای انتظاری در مبدأ و مقصد مهاجرت پرداخت. چه این در کوتاه مدت ممکن است گمراه‌کننده یا غیر قابل قیاس باشد.

^۳ Human Capital Theory.

^۴ Cost-benefit Model.